

***Nahj al-Balagha* and Educational and Social Motivation of the Audience from the Perspective of Interactive Metadiscourses**

Ruhollah Abedi Jazi¹

(Received on: 2024-07-10; Accepted on: 2025-02-12)

Abstract

Nahj al-Balagha, which is derived from both transcendent wisdom and historical engagement with its audience, is rich with implicit meanings. The qualitative analysis of interactive metadiscourse seeks to bridge the historical gap between text and reader to uncover deeper meanings. Imam Ali's audience, addressed across various historical contexts, has been influenced by his words, often expressed through figurative or metaphorical language. These expressions sometimes serve to encourage comprehension, while at other times, they are deliberately employed to inspire and instill purposed motivation aligning with the pedagogical role of the Imam in the society. A structural analysis of the sermons in *Nahj al-Balagha* reveals their connection to doctrinal, political, and cultural currents, with certain words and phrases functioning as catalysts for collective action. This study, utilizing an analytical metadiscourse approach, explores Imam Ali's rhetorical strategies for motivation, particularly in relation to audience education. Additionally, by conducting a comparative linguistic analysis within the sermons, the research aims to shed light on the communicative environment shaping these motivational elements.

Keywords: *Nahj al-Balagha*, interactive metadiscourse, motivation, meaning discovery.

1 . Level-three graduate, Seminary of Isfahan, Isfahan, Iran. Email: 121salavat@gmail.com

نهج البلاغه و انگیزه‌سازی تربیتی و اجتماعی مخاطبان از منظر فراگفتمان‌های تعاملی

روح الله عابدی جزئی^۱

[تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۴/۲۰؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۱/۲۴]

چکیده

نهج البلاغه برگرفته از حکمت و حقیقت متعالی از یک سو و مخاطب عینی جاری در تاریخ از سوی دیگر، سرشار از معانی نهفته است. روش تحلیل کیفی در فراگفتمان تعاملی با کاستن فاصله تاریخی میان متن و خواننده، می‌کوشد به کشف معنا برسد. مخاطبان حضرت در شرایط مختلف تاریخی مورد خطاب قرار گرفته‌اند و همواره در کلام حضرت آثار مختلف بر روی آنان در قالب واژگان کنایی یا تمثیلی اهمیت داشته است. این واژگان گاه به ترغیب و تشویق فهم مخاطب یاری می‌رسانند و گاه انگیزه‌سازی هدفمند با نقش تربیتی امام جامعه پیوند خورده است. بررسی ساختاری خطبه‌ها در نهج البلاغه با شناخت جریان‌های اعتقادی، سیاسی، فرهنگی همراه است و برخی از کلمات و جمله‌های حضرت نقش القای پیشران‌های حرکتی را بین مردم به عهده دارد. این پژوهش با نظر به روش تحلیلی فراگفتمان، می‌کوشد کلام حضرت را در چگونگی کاربست ایجاد انگیزه با تمرکز تربیتی مخاطب بررسی کند؛ همچنین می‌کوشد در بستر متن خطبه‌های نهج البلاغه با مقایسه تطبیقی لغات، به فضای کلامی حضرت در این موضوع اشاره کند. **کلیدواژه‌ها:** نهج البلاغه، گفتمان فرا تعاملی، انگیزه‌سازی، کشف معنا.

مقدمه

پویایی جامعه در مسیر حرکت کمالی خود به عنصر مهمی به نام انگیزه نیاز دارد. انگیزه همواره مفاهیم آرمانی انسان، دین و اجتماع را زنده نگه می‌دارد و قوه رانش در مسیر الگوهای ساخته‌شده نهاد‌های حاکمیتی است. انگیزه‌ها در منظر حاکم جامعه همواره باید تجدید حیات یابند و از این رهگذر، کسب امنیت روانی برای جامعه و حاکم ایجاد گردد تا در حوادث و ناگواری‌های پیش‌روی جامعه بتوان آرای مردمی را با حکومت هموار کرد. از طرفی وظیفه حاکمیتی حاکم، رشد اجتماعی و معنوی جامعه است که این حاکم وقتی حضرت امیرالمؤمنین (ع) باشد، رشد شخصی معنوی افراد جامعه نیز مورد توجه قرار می‌گیرد و تجلی صفات علوی در بینش علوی برای حاکم ضمان‌آوری اخلاقی را نیز به همراه دارد. حضرت باید در مسیر ارتقا و رشد معنوی یکایک افراد جامعه، سرمایه‌گذاری اجتماعی برای دفع شرارت دشمنان خارجی را نیز داشته باشد. نهج البلاغه مهم‌ترین منبع شناخت‌شناسی انگیزشی برای مردمان آن دوره است که حضرت می‌کوشیدند با شیوه‌ها و روش‌های گوناگون تشخص فردی را با شئون اجتماعی و حاکمیتی افراد تطبیق دهند و آن را به کارکردی حاکمیتی و اجتماعی در مسیر توحید بدل کنند. روش‌های ورود حضرت به ایجاد انگیزش‌های اجتماعی، نشان از هنرمندی ایشان در مهارت استفاده از علوم مختلفی چون جامعه‌شناسی، روان‌شناسی و سیاست دارد. منظر فراتعاملی به طور ویژه به تأثیرگذاری متن بر مخاطب خود می‌پردازد. در این پژوهش، کیفیت انگیزش در این روش مطالعه شده است و می‌کوشد طبق الگوی نظریه هایلند این موضوع بررسی گردد.

بیان مسئله

شناخت کلام مولی‌الموحدین همواره دارای جذابیت معنایی است و بیان مواعظ حکمی و تاریخی از الزامات این کلام است. مفاهیم کلام حضرت همواره نیاز به تبیین و بررسی در

بستر معرفتی زمان خود را دارد. یکی از نکات چشمگیر، دقت به چرایی و تأثیر بار معنایی لغات در تشبیهات کلامی حضرت در خطابه‌های مناسبتی مختلف است که نیاز به شناخت مخاطب و بررسی روحیات اجتماعی آنان دارد. حضرت در مقام حاکم و شارع، هر جمله‌ای را که بیان می‌کند، خالی از مقصود و مراد جدی نیست که ویژگی شرط صادق و مصدق بودن کلام ایشان همراه با ابدیتی جاودان است؛ از این رو کنش یا واکنش حضرت در انگیزش‌های تشویقی و تنبیهی مشاهده می‌شود که چگونه مردمان تحت حکومت ایشان در پی دستورهای حضرت به چه میزان اطاعت امر داشته‌اند یا روی گردان از فرمان حکومتی امام بوده‌اند. امام با بیان لغاتی با مفهوم کنایات عرفی می‌کوشد انگیزش کافی به عنوان محرک و کنشگر ایجاد کند تا از بستر این واکنش بتواند با کار تشویقی و تربیتی با هجوم دشمنان و خطرات آنان مقابله نماید و حوزه حکومت اسلامی را از آفات دور بدارد. گفتنی است خطاب حضرت، خیر مطلق است و به یقین تمامیت صلاح فردی و اجتماعی افراد در آن منظور شده است؛ اما امام با قدرت و صلابت فصاحت و بلاغت خود کاستی مخاطبین را جبران می‌کند. این پژوهش می‌کوشد به بازنمایی کنشگری مخاطب در گفتمان نهج البلاغه بپردازد و با شیوه گفتمان فراتعاملی به چگونگی و اثرات کلام حضرت اشاره کند.

اهمیت و ضرورت انجام پژوهش

گفتمان فراتعاملی از رویکردهای جدید مورد توجه در ساحت علوم انسانی است که به تازگی محققان با این رویکرد به متون مختلف دینی پرداخته‌اند و توانسته‌اند به توضیح فرایندهای مختلف مفهوم روی آورند و به تولید علم در این عرصه کمک کنند. هایلند مهم‌ترین شخص و صاحب این نظریه است که توانست در گفتمان سازی اجتماعی به بازسازی شرایط انعقاد مفهوم یا گفتار دست یابد. متن نهج البلاغه با توجه به برداشت‌های

مختلف، مستعد برون‌سپاری معنا در موضوعات مختلف است. انگیزه‌سازی حضرت در خطابه‌ها و شناخت مخاطبان آن یکی از مهم‌ترین بحث‌هایی است که امروزه به فضا‌سازی رسانه‌ای و واقع‌نمایی این حقیقت جاوید کمک می‌کند. این پژوهش با قیاس لغات مختلف به انگیزش‌های تولیدشده و آثار تربیتی در گام بعدی می‌پردازد و می‌کوشد تا با رویکرد مسئله‌محور و زدودن غبار از حلقه‌های مفقود این دوره توجه کند.

پیشینه موضوع

نهج البلاغه کتاب گران سنگی از بیانات امیر بیان حضرت علی (ع) است که در موضوعات و حیطه‌های مختلفی مورد بررسی قرار گرفته است. واژه انگیزش در آیات و روایات در پژوهش‌های مختلفی بررسی شده است؛ از جمله «نقش هیجان‌های حب و بغض در انگیزش اخلاقی طبق آیات و روایات» (رحیمی و عبدالحی، ۱۴۰۰ ه. ش)، «بررسی تطبیقی ابعاد انگیزش اخلاقی در اندیشه علامه طباطبایی و فیانی» (دهقان، ۱۳۹۶ ه. ش) و «منابع انگیزش اخلاقی با رویکرد تطبیقی بین دیدگاه علامه طباطبایی و مازلو» (کاوایی و کریمی، ۱۳۹۰ ه. ش). موضوع فرا تعاملی و نظریه‌هایلند نیز در مقالات «تحلیل فراگفتمان‌های تعاملی در خطبه‌های نهج البلاغه» (حسینی و زارعی فرد، ۱۳۹۹ ه. ش)، «بررسی نشانگرهای فراگفتمان تعاملی در قرآن» (شیخ سنگ‌تجن، ۱۳۹۹ ه. ش) و «تحلیل مقالات نقد کتاب‌های زبان‌شناسی ایران بر اساس الگوی فراگفتمان‌هایلند» (فامیان، ۱۳۹۳ ه. ش) و همچنین در موضوع مخاطب با مقالاتی مانند «روش‌های اقناع مخاطب در نهج البلاغه» (امیر کاوه و اسلامی، ۱۳۹۵ ه. ش)، «اصول مخاطب‌شناسی از دیدگاه امام علی (ع) در نهج البلاغه» (فرضی شوب، ۱۳۹۳ ه. ش) و «اقناع مخاطب در نهج البلاغه» (کرم‌پور، حصومی و دیگران، ۱۳۹۳ ه. ش) مورد توجه قرار گرفته است. این پژوهش با رویکرد کشف معنا و با استفاده از پژوهش‌های دیگر، سعی در تبیین گفتمان تعاملی در انگیزه‌های تربیتی حکومتی دارد.

روش تحقیق

این پژوهش با روش کتابخانه‌ای و اسنادی انجام شده است؛ همچنین رویکرد تطبیقی واژگانی در این پژوهش به دنبال یافتن معنا در موضوع بحث است.

یافته‌های پژوهش

در این مبحث به تعریف برخی اصطلاحات دخیل در موضوع پژوهش پرداخته می‌شود تا در کاربردهای مقاله مختلف مورد فهم قرار گیرد.

تعریف انگیزه

انگیزه را این‌گونه معنا کرده‌اند: «آمادگی یا گرایش درونی بالقوه برای پاسخ دادن به موقعیت یا محرک خاص بیرونی، از بین موقعیت‌ها و محرک‌های مختلف موجود را می‌توان انگیزه نامید» (شاملو، ۱۳۸۳ ه.ش، ص ۱۰۳). همچنین در تعریف انگیزه آورده شده است: «عامل درونی به وجودآورنده بوده و در لغت به معنای آنچه که کسی را به کاری برانگیزد، آمده است و انگیزه با انگیزش غالباً به صورت مترادف به کار می‌روند» (حکمتی، ۱۳۹۶ ه.ش، ص ۱۷). در تقسیم‌بندی موضوع «این تعاریف به سه نتیجه منتهی می‌شود: الف) تجزیه و تحلیل انگیزش باید به عواملی که فعالیت‌های فرد را بر می‌انگیزد تمرکز کند؛ ب) انگیزش فرایندگراست و به انتخاب، جهت و هدف توجه دارد؛ ج) انگیزش بر چگونگی آغاز رفتار، تداوم یا توقف آن توجه دارد و بیانگر آن است که فرد دارای انگیزه چه نوع واکنش عینی نشان می‌دهد» (رضاییان، ۱۳۸۴ ه.ش، ص ۳۸). در بیان تنوع انگیزه‌ها «ممکن است به شکل‌های بسیار منفی، شدید، قوی، ضعیف، نارسا، متغیر و یا در کشمکش با انگیزه‌های دیگر پیش آید. یک انگیزه ممکن است در حد سیراب‌نشدنی قوی باشد و یا ممکن است

آن قدر ضعیف باشد که بی حرکتی، سکون و بی دفاعی ایجاد کند. مهم‌ترین اختلال در انگیزه، تعارض است. تعارض یا کشمکش روانی در انسان به چند صورت تجلی می‌کند...» (کاوندی، ۱۳۹۳ ه.ش).

فراگفتمان تعاملی

واژه فراگفتمان (metadiscourse) را نخستین بار هریس (Harris) مطرح کرد که به تلاش نویسنده یا گوینده برای درک بهتر متن مربوط می‌شود (شیخ سنگ‌تجن، ۱۳۹۹ ه.ش). «فراگفتمان» به عناصر زبان شناختی خود اندیشیده‌ای اطلاق می‌شود که برای تبادل معنا در متن، کمک به نویسنده در بیان نگرش و لحاظ کردن خواننده به عنوان عنصری از یک جامعه خاص به کار می‌رود (Hyland, 2005).

تحلیل گفتمان

تحلیل گفتمان به طور کلی در دو سطح عام به کار می‌رود؛ گرایش اول، تحلیل گفتمان در زبان‌شناسی است که در دسته‌بندی سه‌گانه ساختارگرا، نقش‌گرا و انتقادی در کانون پژوهش قرار می‌گیرد. سطح دیگر استفاده از تحلیل گفتمان در فلسفه سیاسی-اجتماعی است. بنیان‌های فکری تحلیل گفتمان فراتر از تحلیل متن یا نوشتار یا تحلیل گفتار است. گفتمان، مجموعه‌ای از گزاره‌هایی است که یک مفهوم کلی را دربر می‌گیرد. در تحلیل گفتمان مجموعه اوضاع اجتماعی، زمینه وقوع متن یا نوشتار، گفتار، ارتباط‌های غیرکلامی و رابطه ساختار و واژه‌ها در گزاره‌های کلی نگریسته می‌شود. واژه‌ها هر یک به تنهایی مفهوم خاص خود را دارا هستند؛ اما در شرایط وقوع و در اذهان گوناگون معانی متفاوتی دارند. انتقال، دریافت و اثرگذاری متفاوت و گوناگونی در پی دارند (صالحی‌زاده، ۱۳۹۰ ه.ش).

انواع انگیزش‌ها در نهج البلاغه

انگیزش در سه حوزه روان‌شناسی، فلسفه و اخلاق قابل بررسی و شناخت است (رحمتی، کاوندی و همکاران، ۱۳۹۹ ه.ش). در مبحث علم کلام با عنوان گرایش امیال انگیزش مطرح می‌شود؛ چنان‌که اعمال و رفتاری که انسان انجام می‌دهد، مانند هر حیوانی از یک نوع درک و میل سرچشمه می‌گیرد. انسان با حیوان در این جهت اشتراک دارند که برای تحصیل نتیجه و مطلوب عمل می‌کنند و به تعبیری اعمال او از یک علت غایی برخوردار است و اگر این علت غایی مطرح نباشد، هرگز به انجام کاری اقدام نمی‌کند و هر عملی که انجام می‌دهد، ناشی از میلی است که به نتیجه آن دارد و در پی رسیدن به آن نتیجه است (مصباح یزدی، [بی‌تا]، ص ۲۹۶).

انگیزش اخلاقی

در انگیزش اخلاقی، به طور طبیعی هر کاری که از انسان سر می‌زند، برخاسته از انگیزه‌های درونی یا غایتی برونی است. انگیزه اخلاقی همان داعی و دلیل عمل یا به تعبیری علت غایی است که انسان برای دست یافتن به آن فعل اخلاقی را انجام می‌دهد. مراد از عامل ایجاد انگیزش نیز بستری است که از طریق آن انگیزش شکل می‌گیرد؛ برای مثال باور فرد می‌تواند بستری برای ایجاد انگیزه در او شود و او را به سوی انجام دادن کاری سوق دهد (مصباح یزدی، [بی‌تا]، ص ۲۹۶).

انگیزش سیاسی

انگیزه سیاسی عبارت است از انگیزه‌ای که صاحبان قدرت برای رسیدن به خلافت یا قدرت سیاسی تثبیت و گسترش آن یا توجیه مشروعیت خود به آنها متوسل شده‌اند؛ مانند

تحریض به گسترش فتوحات، قداست دادن به پایگاه خلافت برای تثبیت قدرت، ذم مخالفان و مدح هواداران (کریمی و طاووسی، ۱۳۸۹ ه.ش).

انگیزش حماسی

حماسه از ماده حماس به معنای دلاوری، دلیری، شجاعت و شدت و صلابت در امر دین و جنگ، تندی در کار و دلیری است. حمیس و حماس به معنای دلیر است. در ادبیات قدیم عربی، واژه حماسه به کار می‌رفت؛ اما به نوعی شعر رزمی گفته می‌شد که شاعران هر قبیله در شرح افتخارهای قبیله خود می‌سرودند و نیز شعری بلند و روایتی را گویند که بر محور موضوعی جدی و رزمی به سبکی باارزش سروده شده باشد (رحیمی، ۱۳۹۵ ه.ش).

درک مخاطب سخنان حضرت امیر از تشبیهات

در گفتمان تعاملی بین حاکم و مردم چنان‌که حاکم در مقام خطابه قرار می‌گیرد نه مشورت یا هم‌صحبتی عرفی، باید به این نکته توجه کرد که این گفتگوها فقط نیت کنایه و تشبیه است و الفاظ در حال مجاز و غیر ماوضع له به کار رفته است یا اینکه در مقام بیان و مقدمات حکمت است؛ به این معنا که متکلم قصد هزل، اهمال یا اجمال‌گویی ندارد و غافل نیز نیست. مخاطب، همان مردمی هستند که حضرت را وادار به پذیرش کردند؛ همان‌گونه که حضرت فرمود: «دَعُونِي وَالتَّمِسُوا غَيْرِي، فَإِنَّا مُسْتَقْبِلُونَ أَمْرًا لَهُ وَجُوهٌ وَأَلْوَانٌ لَا تَقُومُ لَهُ الْقُلُوبُ وَلَا تَثْبُتُ عَلَيْهِ الْعُقُولُ، وَإِنَّ الْأَفَاقَ قَدْ أَغَامَتْ وَالْمَحَجَّةَ قَدْ تَنَكَّرَتْ» (نهج البلاغه، خطبه ۹۲). این خطبه حضرت علی (ع) زمانی ایراد شد که آشوب و فتنه فراگیر شده بود و بر اثر بدعت‌ها و خلاف‌هایی که خلفا انجام داده بودند، مردم با اسلام واقعی فاصله گرفته بودند

و سنت حقیقی به فراموشی سپرده شده بود. این خطبه نشان می‌دهد بر اثر آشنانبودن حاکمان جامعه با اسلام و عمل بر خلاف سنت، نشانه‌های حقیقی اسلام از میان مردم رفته است و عده‌ای از مردم که در زمان عثمان به تصرف بی‌رویه بیت‌المال عادت کرده بودند، انتظار داشتند در زمان علی (ع) نیز به همان منوال کار پیش برود و ایشان انداز به تغییر چهره‌ها و دگرگونی حالات در پس این انتخاب دارند (نهج البلاغه، خطبه ۹۲).

در دوران اخیر یکی از روش‌هایی که می‌تواند به فهم متون نهج البلاغه کمک کند، علم هرمنوتیک یا نظریه تأویل است؛ علمی که مسئله فهم متون و چگونگی ادراک و فهم و روند آن را بررسی می‌کند. شلایرماخر به یافتن شیوه‌های پرهیز از بدفهمی اهتمام می‌ورزد؛ او برای درک متن دو جنبه را مطرح می‌کند: نخست درک گفتار نویسنده و سپس درک ذهنیت او (ویسی، میرزایی و همکاران، ۱۳۹۰ ه.ش). همچنین او در بیان تفسیر دستوری بیان می‌کند که زبان مشترک بین نویسنده و مخاطب، مبنای تشخیص و فهم متن است و هر کلمه‌ای در روایت و متن باید با توجه به زمینه‌ای که در آن جای دارد، معنا و فهمیده شود (آزاد ارمکی و لاجوردی، ۱۳۸۲ ه.ش). با استفاده از این روش معنایی، گویی می‌توان به فهم مخاطبان این سخنان دسترسی یافت. در این دو سوگوینده که در مقام حکمت و بیان سخن می‌راند و عصمت مطلق دارد و هم‌ردیف نبی (ص) در جانشینی او در رفتار و گفتار قرار دارد، فردی فرزانه و مصلحت‌نگر نه در عصر خود، بلکه در ایجاد فعل، سکوت و تقریری که در فقه بر آن نشانه طریق دینی و هدایت گذارده، باید در عالی‌ترین سطح گفتار و رفتار الهی قرار گیرد. اما در سویی دیگر پیمان‌شکنانی قرار دارند که از روز رحلت و جانشینی پیامبر (ص) در انحراف بودند و کارگزاران غاصبی که با رسانه‌های تبلیغی خود مسیر تفکر و طریق توحیدی عامه را منحرف کرده بودند و فضای فکری مشوشی را در این دوران به سر می‌بردند و حاکمان نیز با آگاهی از این حالات و روان‌شناسی قدرت بر مردم تسلط می‌یافتند؛ مردمی که بیشتر در جنبه‌های شغلی و درآمدی کوشا بودند و از درس و

سوادآموزی فقط قرآن را حفظ کرده یا قرائت می نمودند. این مردم چنان که گذشت، منفعلانه در فرامین حاکم و خلیفه خود تعلل می کردند و از ولایت مداری خودداری می نمودند.

کنایه‌ها و تمثیل‌های متن‌فد در خطبه‌های ۳۹، ۶۹ و ۷۱ نهج البلاغه

مردمان شهر کوفه، بازماندگان سومریان، مهاجران سامی و برخی مهاجران عربستانی به نام لخمیان یا آل منذر بودند که پس از کشورگشایی خلیفه دوم در این شهر ساکن شدند. رویکرد مردم کوفه در تاریخ، خوش استقبال و بدبدرقه بیان شده است. کنش‌های اجتماعی این مردم تحت تأثیر تیره‌های عربی عدنانی و قحطانی بود که معتقد بودند عرب جز با غیر عرب نمی جنگد. آنان درکی از مسائل داخلی و فتنه‌ها و نفاق داخل حکومت نداشتند و جنگ را دستیابی به غنایم خوش می داشتند (شهیدی، ۱۳۸۷ هـ. ش، ص ۱۲۷ - ۱۳۳). تحلیل مخاطب امام در این خطبه‌ها بر مبنای فراگفتمان و بررسی انگیزش آنان، گویی تلخ‌ترین واکنش‌ها را از مخاطبان خود دریافت نموده که کنایاتی دردآور را به مخاطب خود نسبت می دهد. خطبه ۳۹ هنگامی ایراد شد که نعمان بن شبیر، به عین التمر حمله کرده بود و منظور او از این گونه حمله‌ها، ایجاد ترس و وحشت در دل مردم عراق بود. مالک بن کعب منسوب از سوی علی (ع) در پی مرخصی سربازان جز صد نفریاری نداشت و نامه‌ای به امام (ع) نوشت و از ماجرا خبر داد. هنگامی که نامه به علی (ع) رسید، به اصحاب خود فرمود: برخیزید و به یاری مالک بشتابید؛ زیرا نعمان با سپاه کوچکی از اهل شام به عین التمر حمله ور شده است؛ ولی مردم به دعوت امام جواب مثبت ندادند. امام به سراغ رؤسای قبایل فرستاد و به آنان دستور داد هم خودشان حرکت کنند و هم مردم قبیله خود را بسیج کنند. آنان نیز کار مثبتی انجام ندادند و تنها سیصد نفر یا کمتر جمع شدند (مکارم شیرازی، ۱۳۸۶ هـ. ش، ج ۵، ص ۱۷۳). مخاطب این خطبه در انفعال اجتماعی مورد خطاب قرار می گیرد و مخاطب با توجه به آگاهی از حمله به جان و مال و نوامیس

مردم عراق حرکت خاصی نمی‌کند و امام و حاکم جامعه خود را رها کرده‌اند. نبود اتحاد و یکپارچگی جامعه که حاکم را می‌آزارد و نیز نبود روحیه غیرت که در بخشی از جامعه مسلمین تعدی انجام گرفته است و انفعال سیاسی در همراه نبودن با حاکم اسلامی از این خطبه تاریخی استنباط می‌گردد. این خطبه مملو از کنایاتی است که شنونده را تکان می‌دهد و از لحاظ کلامی محرک کنشی برای دفاع از کیان اسلام است؛ خطبه‌ای که گویی شلاق به تن نافرمان بردار جامعه می‌زند تا از حوادثی که در آینده ممکن است آنان را به کام نابودی بکشاند بر حذر می‌دارد. کنایات این خطبه بر طبق عرف زمانه مردم، کنایاتی تلخ و تشبیه به حیوانات محسوس مخاطب است و توانسته هم فضای بی‌همتای کوفیان را نشان دهد و هم روایتی از رویداد تاریخی که حضرت آن را به امانت در دل تاریخ می‌سپارد. واج‌آوایی این خطبه به گونه‌ای است که گویی بارانی از کلمات بر سرمخاطب آوار می‌شود و این فروریختن معنا بر سر پیمان شکنان و منافقان خبر از مخاطبانی بی‌تفاوت دارد. حضرت در نوع بیان گفتاری خویش در همان صلابت گویی با آینده‌نگری اوضاع، نگران جامعه اسلامی است. بررسی تطبیقی لغات از لحاظ تأثیر معنا در جدول ذیل مورد اشاره قرار گرفته است.

جدول شماره ۱: تشبیهات حیوانی خطبه ۳۹

ردیف	اصطلاح کنایی	معنای لغوی	نوع تشبیه	پیام کنایه
۱	جَزْجَزْتُمْ	مانند شتر خسته صدا کردید، «جَزْجَزَة»: صدایی که شتر در گلو می‌پیچاند.	استفاده از حیوان، مرکب ستودنی	اهمیت وجود مرکبی که راهوار نیست
۲	الْأَسْرَ	مبتلا به بیماری، «سرر» و آن زخمی است که در سینه شتر پدید می‌آید.	زخم، بیماری ادامه‌دار	بیماری که در نهایت شخص را از پای درمی‌آورد

ردیف	اصطلاح کنایی	معنای لغوی	نوع تشبیه	پیام کنایه
۳	النَّضْو	شتر لاغر	حیوان و مرکبی ناپسند و غیرستودنی	به درد نخور
۴	الْأَذْبَر	مجروح، شتری که به واسطه پالان پشتش زخم شده است	زخم حیوانی ناتوان	برای حال و آینده سودمند نیست
۵	مُتَدَايِبٌ ضَعِيفٌ	حیران و سرگردان همراه با ناتوانی	وزش بادهای گوناگون، بیان اضطراب و ضعف	آنها بی هم که آمدند، حیران و سرگردان مرگ بودند نه نیروی نظامی

در خطبه ۶۹ در کلام مولی امیرالمؤمنین (ع) این پرسش به وجود می‌آید که علت اصلی تندی کلام حضرت با الفاظی به شدت تلخ و گزنده چیست؟ از آنجا که فراگفتمان، سهولت در ارتباط با مخاطب را در نظر دارد، در این سه خطبه موضوع انتقادی حضرت امیر (ع) به گونه‌ای است که در سخنرانی رودررو بیان شده است و به یقین تأثیر چهره به چهره خود را دربر داشته است. این سخنان به گونه امر ارشادی نیز نیست؛ چرا که دشمن از غفلت استفاده می‌کند و به تاراج جان و مال و ناموس مسلمین حمله ور شده است. از یک طرف حضرت مواضع اخلاقی را به شدت رعایت می‌کنند: «می‌دانم داری درد شما چیست و این کژی را چگونه راست توان کرد؛ ولی نمی‌خواهم شما را اصلاح کنم، درحالی‌که خود را تباه کرده باشم» (نهج البلاغه، خطبه ۶۹). از طرفی ایشان به هر حال امام مسلمین هستند و فعل، گفتار، سیره و تقریر ایشان الگوی ابدی خواهد بود. در ارتباط‌گیری کلامی امام با مخاطب بیشتر از تمثیل و کنایات عرفی و مردمی استفاده شده است - به معنای

مردم فهمی نه به معنای نزول معنا - و در تمثیل حیوانی از حیواناتی گفته شده است که بیشترین ابتلای عمومی را دارند؛ برای مثال تمثیل شتر در جایگاه نماد قدرت و به معنای مرکب قابل توجه و چشمگیر و تسری به آگاهی مردم به قدرت جمعی خویش که حال در گذر روزگار و بی توجهی صاحبان دچار بیماری‌های متعدد شده و دیگر کارایی لازم را ندارد. در مثال سوسمار خزنده‌ای شناخته شده در عرب با توجه به اقلیم بیابانی که سبب حماقت در خانه‌گزینی و تصمیمات نشان داده می‌شود.

در تشبیه انسانی خطبه ۷۱، سلسله‌ای از مصیبت‌ها به دنبال هم آورده می‌شود که گویی در نگاه سطحی نشان از نحوست دارد؛ اما حضرت در بیان مرتبه‌های ناتوانی و ذلیل بودن این زن چنان فضا سازی برای مخاطب ایجاد می‌نمایند که گویی آینده‌ای محتوم و رنج بی‌نهایت در انتظار مخاطبانی است که با امام زمان خود همراه نیستند و تحت اختیار و رأی او عمل نمی‌کنند. پراکندگی و گستره این کنایات از طرفی تفهیم مطلب کنایی به مخاطب را مدنظر دارد و از طرفی مهارت خطیب در استفاده از نکات ظریف تمثیلی را بیان می‌دارد.

رویکرد تربیتی تشویق‌های انگیزشی در نهج البلاغه

امام علی (ع) در خطبه ۱۱۸ که بعد از جنگ جمل ایراد نمودند، مدح و ستایش بلیغی از یاران شایسته خود دارد و نشان دهنده این مطلب است که امام همواره نیکان را تشویق و ترغیب و بدان را سرزنش می‌کند تا گروه اول به کار خود دلگرم‌تر شوند و گروه دوم به اصلاح خویش پردازند. امام یاران صالح خود را نخست با چهار جمله معرفی می‌کند: شما یاوران حق، برادران دینی، سپرهای روز جنگ و رازداران در برابر مردم هستید و پس از آن می‌فرمایند: «شما برادر دینی من هستید و در عمل نشان دادید که در یاری حق کوتاهی نمی‌کنید، در برابر دشمنان همچون سپری محکم و قوی می‌ایستید و در حفظ اسرار و مشورت‌ها در

زمینه جنگ و صلح، افرادی مطمئن می‌باشید. با کمک شما کسانی را که به حق پشت می‌کنند، می‌کوبم و با یاری شما به اطاعت روی آورندگان به حق امیدوارم؛ حال که چنین است، مرا با خیرخواهی خالی از هرگونه خیانت و سالم از هرگونه شک و تردید یاری کنید. به خدا سوگند، من در برابر مردم، از خودشان سزاوارترم؛ چراکه آگاه‌تر و دلسوزترم: ”قَوَّالِهُ الْإِنِّي لَأَوَّلِي النَّاسِ بِالنَّاسِ“ (مکارم شیرازی، ۱۳۸۶ ه.ش، ج ۵، ص ۱۷۳).

حضرت در موردی دیگر در خطبه ۱۱۱ در غم از دست دادن سهل بن حنیف انصاری، اهمیت یاران گرانسنگ خود را متذکر می‌شود و نبودن آنان را ناراحت‌کننده می‌داند. حضرت در بیان جمعی و فردی نکاتی انگیزشی و تربیتی را بیان می‌کند؛ هم سپاسگزاری جمعی از زحمات یاران دارد و هم در الگوسازی‌ها با برجسته‌کردن ویژگی‌های یاران و نبود آنها جامعه را به سمت ویژگی‌های رفتاری موردنظر رهنمون می‌سازند. انگیزه‌شناسی مخاطب در این ستایش‌ها نشان از تأثیر کلماتی است که حضرت در بیان مدح یاران به کار می‌برند. حضرت در بیانات پیش‌رو با همان الفاظ و کلمات عرفی جامعه به بهترین توصیف از یاران خاص خود می‌پردازد و با در نظر گرفتن معانی رفیع استواری، استحکام، قوی بودن، تقرب در رسیدن، امتثال امر مولا و... را به ظهور رسانده است. اینجاست که حضرت با بیان الفاظ با معانی قصد شده‌ای که بالاتر و رفیع‌تر از آن در اطلاعات تصویری مخاطبان وجود ندارد، کلماتی مانند کوه، اوج پرواز، سنگ، مرکب سریع و رونده را استفاده می‌کند که به اقتضای حال و زمان مخاطب بیان معنای ایجابی و مثبت در ذهن مخاطب می‌شود و تصویر جدیدی از اشخاص پس از آنها به نمایش می‌گذارد و در ذهن تاریخی آنان به ثبت می‌رساند. افزون بر تشویق‌های عملی، این الفاظ به خوبی با همراه شدن احساس می‌توانند روحیه سازنده و مثبتی ایجاد نمایند. این الفاظ با توان ایجاد انگیزه و روحیه مثبت در شنونده به گفتمانی تعاملی بدل می‌شود که امروزه می‌توان آثار این الفاظ را در کلام حضرت جستجو کرد.

گفتمان فراتعاملی گوینده و شنونده در خطبه‌ها

سه اصل اساسی از منظر هایلند و تس (۲۰۰۴) در هر نوشته عبارت‌اند از: ۱. جنبه‌های گزاره‌ای و متمایز کلام؛ ۲. فراگفتمان شامل تعامل گوینده و مخاطب؛ ۳. ارتباط بیرونی با ارتباط درونی متن. جایگاه گوینده در این سه خطبه در شأن حاکم و خلیفه‌ای است که اگر بخواهد، می‌تواند بر همه شئون مردمان تسلط یابد؛ چنان‌که اگر حاکمی سفاک و ظالم چون یزید باشد، در فرمانی به مسلم بن عقبه، سه روز جان و مال مردم را بر سپاهیانش حلال کرد (ابن‌کثیر، ۲۰۱۰ م، ج ۶، ص ۲۶۲). حضرت امیرالمؤمنین علی (ع) با تأکید بر حساسیت موقعیت و اصرار بر ایجاد بینش و دشمن‌شناسی با استفاده از واژه‌هایی کنایی به عمق درد مخاطبانش اشاره دارد و از این رهگذر در تلاش است او را به حقیقت نزدیک کند.

تعامل گوینده با مخاطب خاص در خطبه‌ها

حضرت علی (ع) در موقعیت‌های ویژه با مخاطبان خاص خود سخن می‌گوید و مطالبی ایراد می‌کند که گویی بعضی کارکرد اندازی دارند و تأثیرپذیری مخاطب در این گفتگوها بسیار اندک بوده است. فضای حاکم بر این کلام برای ثبت در تاریخ به عنوان فهم بصیرتی و چراغ هدایت موردنظر قرار گرفته است. ظهور فرقه‌ها و مذاهبی همچون مرجئه، قدریه، خوارج، جبریه و حضور تازه مسلمانان، امام (ع) را بر آن واداشته بود که در مواجهه با آنها به ایراد سخن بپردازد؛ برای مثال در خطبه سیزده از بصریون و در خطبه چهل و چهار از مصقله بدگویی شده است. خطبه سیزده پس از جنگ جمل ایراد شده است و مذمت‌ها به دلیل همکاری بصریون با اصحاب جمل است. حضرت درباره گروه‌ها و شخصیت‌هایی همچون خلفای ثلاثه (خطبه‌های ۳ و ۲۴)، ناکثین (خطبه ۲۲)، خوارج (خطبه ۳۶)، طلحه و زبیر (خطبه‌های ۸، ۹، ۳۱ و ۱۴۸)، معاویه (خطبه‌های ۶۱ و ۱۶۲)، عمروعاص (خطبه‌های

۲۶ و ۸۴)، ابوموسی اشعری (خطبه‌های ۱۲۷ و ۲۳۸، نامه ۷۸)، محمد بن ابی بکر (خطبه ۶۸)، سلمان فارسی (خطبه ۲۲۸) و ... اشخاص خاصی را مورد خطاب خود قرار می‌دهد (ریاحی و مسترحمی، ۱۳۹۴ ه.ش).

فضای بیرونی کلام گوینده در نهج البلاغه

نمای بیرونی کلام حضرت از عناصر تأثیرگذار در فهم این متن جامع است. این نما بر اساس اصولی چون اشراف بر سند و منبع، آگاهی از جغرافیای سخن، سبب صدور، تاریخ ایراد کلام، شناخت و تشخیص مخاطبان و ... اشاره می‌شود (رفعت و سلیمی، ۱۳۹۹ ه.ش). همواره اطلاع از اینکه حضرت برای چه کسانی و در چه موقعیتی سخن گفته است و لهجه گفتاری در چه قوس صعود یا نزولی است در خور حال مخاطب خویش می‌باشد. اطلاعات ضمیمه‌ای نهج البلاغه همواره می‌تواند به رویکرد گفتمان فراتعاملی کمک کند و شرایط زمانی می‌تواند تنفذ کلام را در ابعاد اجتماعی یا تربیتی مورد تأکید و مؤثر جلوه دهد. فضای بیرونی همواره مورد توجه شارحان مختلف بوده است (رفعت و سلیمی، ۱۳۹۹ ه.ش) و با توجه به گردآوری این اطلاعات تاریخی، فرایند گفتمانی در بحث انتقادی یا تحلیلی و رویکردهای دیگر مورد توجه قرار می‌گیرد.

نتیجه

با بررسی برخی از خطبه‌های شریف نهج البلاغه، واکاوی معنا با روش رویکرد تحلیل گفتمان به کشف معنای اراده شده نزدیک می‌گردد و دلیل استفاده از برخی کنایات و جمله‌های خاص با شرایط مقتضی تاریخی فهمیده می‌شود. با مقایسه و سنجش کمی و کیفی کنایات استفاده شده میزان اهمیت موضوع مورد نظر حضرت مشخص می‌شود و گاه در این کنش‌ها و واکنش‌های کلامی، حضرت با رویکرد انگیزشی و تربیتی - اجتماعی اثر

گفتمان خود را نشان می‌دهد و نظر به رشد و تعالی اجتماع دارد. این رویکرد تلاشی برای فهم فضای درونی و بیرونی در برخی از خطب کلام حضرت است و همچنان برای فهم دقیق نیاز به بررسی پیوست‌های معنایی دیگر دارد.

کتاب‌نامه

قرآن کریم

- ابن‌کثیر، اسماعیل بن عمر. (۲۰۱۰ م). البدایه و النهایه. بیروت: دار الفکر.
- امیرکاوه، سعید؛ و شعیب اسلامی. (۱۳۹۵ ه.ش). «روش اقناع مخاطب در نهج البلاغه». پژوهش‌های اجتماعی اسلامی. س ۲۲. ش ۳.
- آزاد ارمکی، تقی؛ و هاله لاجوردی. (۱۳۸۲ ه.ش). «هرمنوتیک بازسازی یا گفتگو». نامه علوم اجتماعی. ش ۲۱.
- حسینی، زهرا؛ و رها زارعی‌فرد. (۱۳۹۹ ه.ش). «تحلیل فراگفتمان‌های تعاملی در خطبه‌های نهج البلاغه». زبان‌شناسی و گویش‌های خراسان. س ۱۲. ش ۲۳.
- حکمتی، علیرضا. (۱۳۹۶ ه.ش). مروری بر نظریه‌های انگیزش. تبریز: دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی و درمانی تبریز.
- دهقان، رحیم. (۱۳۹۶ ه.ش). «بررسی تطبیقی ابعاد انگیزش اخلاقی در اندیشه علامه طباطبایی و فینیس». اخلاق و حیانی. س ۵. ش ۱۲.
- رحمتی، سجاد؛ سحر کاوندی؛ و محسن جاهد. (۱۳۹۹ ه.ش). «انگیزش اخلاقی از دیدگاه فخرالدین رازی». پژوهش‌نامه اخلاق. دوره ۱۳. ش ۴.
- رحیمی، اکرم؛ و مهدی عبد‌اللهی‌پور. (۱۴۰۰ ه.ش). «نقش هیجان‌های حب و بغض در انگیزش اخلاقی با نگرشی به آیات و روایات». فصلنامه علمی تحقیقات کاربردی در حوزه قرآن و حدیث. س ۱. ش ۱.

- رحیمی، رضوان. (۱۳۹۵ ه.ش). «جستاری درباره دگرگونی‌های انواع ادبی در حماسه». مجله علمی - پژوهشی زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد فسا. س ۷. ش ۱. پیاپی ۱۴.
- رضائیان، علی. (۱۳۸۴ ه.ش). انتظار عدالت و عدالت در سازمان. تهران: سمت.
- رفعت، محسن؛ و بشیر سلیمی. (۱۳۹۹ ه.ش). «بازخوانی شیوه‌های فهم بستر تاریخی امام علی (ع) در نهج البلاغه، مطالعه موردی: شروح ابن ابی‌الحدید، ابن میثم، میرزا حبیب خویی، شوشتری و مغنیه». پژوهش‌نامه علوی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی. س ۱۱، ش ۱.
- ریاحی مهر، باقر؛ و سید عیسی مسترحمی. (۱۳۹۴ ه.ش). «نقش فضای صدور در فهم نهج البلاغه». پژوهش‌نامه نهج البلاغه. س ۳. ش ۱۱.
- شاملو، سعید. (۱۳۸۳ ه.ش). آسیب‌شناسی روانی. چ ۷. تهران: رشد.
- شهیدی، سیدجعفر. (۱۳۸۷ ه.ش). «مردم کوفه از زبان امیرمؤمنان علی (ع)». پژوهش‌های نهج البلاغه. ش ۲۳ و ۲۴. ص ۱۲۷ - ۱۳۳.
- شیخ سنگ‌تجن، شهین. (۱۳۹۹ ه.ش). «بررسی نشانگرهای فراگفتمان تعاملی در قرآن». مطالعات قرآنی و فرهنگ اسلامی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی. س ۴. ش ۳.
- صالح، صبحی. (۱۴۱۴ ه.ش). نهج البلاغه. قم: دار الهجرة.
- صالحی‌زاده، عبدالهادی. (۱۳۹۰ ه.ش). «درآمدی بر تحلیل گفتمان میشل فوکو؛ روش‌های تحقیق کیفی». معرفت فرهنگی اجتماعی. س ۲. ش ۳.
- فامیان، علی‌رضا قلی؛ و مریم کارگر. (۱۳۹۳ ه.ش). «تحلیل مقالات کتاب‌های زبان‌شناسی ایران بر اساس الگوی فراگفتمان هایلند». پژوهش‌های زبان‌شناسی. س ۵. ش ۲.
- فرضی شوب، منیره؛ فرشته فرضی شوب؛ و زهره شاه‌قاسمی. (۱۳۹۳ ه.ش). «اصول مخاطب‌شناسی از دیدگاه امام علی (ع) در نهج البلاغه». فصلنامه سراج منیر. پیاپی ۱۶.
- کاویانی، محمد؛ و محمدرضا کریمی. (۱۳۹۰ ه.ش). «منابع انگیزش اخلاقی با رویکرد تطبیقی بین دیدگاه علامه طباطبایی و مازلو». دوفصلنامه علمی - پژوهشی مطالعات اسلام و روان‌شناسی. س ۵. ش ۹.

کرم‌پور، زهرا؛ ولی‌الله حسومی؛ و حسین خاکپور. (۱۳۹۳ ه.ش). «اقتناع مخاطب در نهج البلاغه».

فصلنامه پژوهشنامه نهج البلاغه. س ۳. ش ۹.

کریمی، محمود؛ و سعید طاووسی مسرور. (۱۳۸۹ ه.ش). «انگیزه‌های سیاسی در جعل روایات مدح و

ذم بلاد». دانش سیاسی. س ۶.

کاوندی، زینب. (۱۳۹۳ ه.ش). «انگیزه Motive»؛ در:

<http://pajoohe.ir>

مصباح یزدی، محمد تقی. [بی تا]. «درس چهل و یکم: از انسانیت تا ...»؛ در:

<https://mesbahyazdi.ir>

مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۸۶ ه.ش). پیام امام امیرالمؤمنین (ع). چ ۱. تهران: دارالکتب الاسلامیه.

ویسی، اله؛ حسین میرزایی‌نیا؛ و سید محمد حسین جعفری. (۱۳۹۰ ه.ش). «تحلیل هرمنوتیکی

بخش‌هایی از نهج البلاغه (نمونه پژوهی نقد برخی اصحاب رسول (ص) و زن)». پایان‌نامه.

دانشگاه حکیم سبزواری. دانشکده الهیات و معارف اسلامی.

Hyland, K(2005). Metadiscourse: Exploring writing in interaction, London: Continuum.